

شعر فتوح در صدر اسلام

دکتر فیروز حریرچی

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۱ تا ۹)

چکیده:

شعر فتوح در صدر اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مطالعه در این زمینه به تدوین مقالات و کتابهای پرحجمی نیاز دارد. زیرا این شعار که بیشتر در جنگهای قادسیه، یرموک، نهاوند و غیره سروده شده از خصائص و امتیازاتی برخوردار است که نبردهای سخت و جانکاهی را در راه دین خدا و اقامه توحید بیان می‌کند و علاوه بر آنکه حماسه و شور و غیرت دینی مسلمانها را در این جنگها نمایان می‌سازد، تأثیر تعالیم عالی اسلام را هم در این اشعار آشکار می‌سازد و از طرف دیگر در شعر فتوح مرثیه‌های جانگدازی را مشاهده می‌کنیم که با مرثیه‌های ادب عربی دوره‌های دیگر از لحاظ اخلاص عمل و ایمان به پیغمبر و کتاب خدا بکلی متفاوت است و از حیث سبک هم این سروده‌ها بیشتر دارای رنگ عامیانه همراه با مفاخره است و از فصاحت و شیوایی شعر شاعرانی که با فراغت خاطر، تأمل و اندیشه کافی اشعار استوار و محکمی می‌سرایند بهره کافی ندارند.

واژه‌های کلیدی: جنگهای قادسیه، نهاوند، مدائن، شاعران فتوح، شعر

فتوح.

مقدمه:

مسلمانها پس از آنکه از جنگهای رده فارغ شدند از جزیره العرب بیرون آمدند تا با دولت ایران و روم در راه خدا و برقراری دین حق جهاد کنند. سرانجام دولت ایران را سرنگون کردند و از رومیان هم بر دو سرزمین آنها یعنی شام و مصر چیره گردیدند. شاعران در خلال همین جنگها سروده‌ها و اشعار حماسی پرسر و صدایی سرودند که در آنها از پیروزیها و دلاوریها و کوششهای جانبازانه خویش برای خداوند و اقامه دین حق سخن گفتند. اگر بخواهیم درباره همه اشعاری که در این زمینه سروده شده است به بحث و گفتگو پردازیم باید کتابها و مقالات بنویسیم و سالها به تحقیق و تتبع مشغول شویم پس ناگزیریم بگوشه‌ای از شعر فتوح نگاهی گذرا داشته باشیم.

یکی از مهمترین حوادثی که در پدید آمدن شعر فتوح سهمی به سزا داشته و موجب ظهور اشعار حماسی دینی گردیده است جنگ قادسیه می باشد در این جنگ نام ابومحجن ثقفی بیش از هر کس بر زبانها جاری بوده است. ابومحجن ثقفی به هنگام جنگ قادسیه به علت شرب خمر و باده گساری توسط سعد بن ابی وقاص زندانی شده بود (ابوالفرج اصفهانی، ج ۱۹، ص ۱) ولی همین که جنگ آغاز شد وی به دامن همسر سعد بن ابی وقاص پناه برد و از وی خواست که سعد او را از زندان آزاد کند تا در شرف شرکت در جنگ قادسیه شریک باشد. سعد او را از زندان بیرون آورد و او هم در این جنگ از امتحان به خوبی برآمد و پس از پیروزی و فداکاری به زندان برگشت و به سرودن چنین اشعاری پرداخت:

لَقَدْ عَلِمْتُ ثَقِيفٌ غَيْرَ فَخْرٍ	بَأْنَا نَحْنُ أَكْرَمُهُمْ سُيُوفَا
وَ أَكْثَرُهُمْ دُرُوعاً سَابِغَاتٍ	وَ أَصْبَرُهُمْ إِذَا كَرِهُوا الْوَقُوفَا
فَإِنْ أَحْبَسَ فَقَدْ عَرَفُوا بَلَائِي	وَ إِنْ أَطْلَقَ أُجِرَّعُهُمْ حُتُوفَا

«ثقیف بی آنکه فخر کند بخوبی می داند که شمشیرهای ما از آنها با کرامت تر و زره‌های ما از آنها کاملتر است و ما از آنها (در میدان نبرد) شکیباتریم آنگاه که آنها از ایستادن و مقاومت در پیکار کراحت داشته باشند. پس اگر در زندان باشم آنها می داند که از عهده امتحان بخوبی بر آمده‌ام و اگر از زندان آزاد شوم آنها را جام مرگ می نوشانم»

ابومحجن پس از آنکه در جنگ قادسیه از خود پهلوانیها و دلیریها نشان داد و از مکارم اخلاقی اسلامی متأثر شد از شرابخواری توبه کرد و چنین سرود:

رَأَيْتُ الْخَمْرَ صَالِحَةً فِيهَا مَنَاقِبُ تُهْلِكُ الرَّجُلَ الْحَلِيمَا
فَلَا وَاللَّهِ أَشْرَبُهَا حَيَاتِي وَلَا أَشْقَىٰ بِهَا أَبَدًا نَدِيمَا

(ابوالفرج اصفهانی، ج ۱۹، ص ۱۰)

«باده را نیکو دانستم در حالی که در آن اوصافی است که مرد خردمند و بردبار را نابود می کند. پس سوگند به پروردگار تازنده‌ام باده نخواهم خورد و ساقی باده خوار هم نخواهم شد.»

پیرامون ابی محجن ثقفی، دلیران فراوانی گرد آمده بودند که با ایرانیان پیکارهای خونینی کردند و اشعار حماسی فراوانی سرودند از جمله آنها عمرو بن معدیکرب زبیدی است. این شاعر از پهلوانان دوره جاهلیت بود ولی پس از آنکه به اسلام گروید اشعار زیادی درباره جنگ قادسیه، یرموک و نهاوند سرود چنانکه گفته است:

وَالْقَادِسیَّةُ حِينَ زَا حَمِ رُسْتَمٍ كُنَّا الْحُمَاةَ بِهِنَّ كَالْأَشْطَانِ
الضَّارِبِينَ بِكُلِّ أْبْيَضٍ مِخْذَمٍ وَ الطَّاعِنِينَ مَجَامِعَ الْأَضْغَانِ

(ضیف، ص ۱۶۳)

«در قادسیه هنگامی که رستم عرصه را بر ما تنگ نمود ما هم مانند جن و شیطان ظاهر شدیم و به دفاع و نگهبانی پرداختیم. با هر شمشیر تیزی می زدیم و با سر نیزه‌ها دل دشمنان را می شکافتیم.»

بشربن ربیعة خثعمی از شاعرانی است که خود و یارانش در قادسیه پهلوانیها نشان داده‌اند و او اشعاری در این نبرد سروده است که از تائروی از افکار اسلامی حکایت می‌کند چنانکه می‌گوید:

أَنْخْتُ بِبَابِ الْقَادِسیَةِ نَاقِتی
تَذَكَّرُ هَدَاكَ اللهُ وَقَعَّ سِیوِینَا
وَسَعْدُبنُ وَقَاصِ عَلِیِّ امیرُ
بِبابِ قُدَیْسِ وَالْمَكْرُ عَسیرُ

(ابوالفرج اصفهانی، ج ۱۵، ص ۲۴۳)

«سینه شتر خویش را بر در قادسیه بروی زمین گذاشتم در حالی که سعدبن ابی وقاص امیر من بود. پروردگار ترا هدایت کند ضربات شمشیرهای ما را در قادسیه بیاد آور، آنگاه که یورش و هجوم شدید شده بود»

شاعر دیگری که در گفتن شعر به هنگام فتوح شهرت فراوان داشته و در قادسیه جانفشانیها نشان داده است قیس بن مکشوح مرادی پسر خواهر عمروبن معدیکرب است که بنابر روایاتی رستم فرمانده سپاه ایران را از پا در آورده است (بلاذری، ص ۲۶۱)

از شاعرانی که در جنگ قادسیه حاضر شده‌اند و با دشمنان اسلام پیکار سختی داشته‌اند اسودبن قُطَبه (ابن حجر، ج ۱، ص ۱۰۵) و عمر بن شَاس اسدی می‌باشند (ابن سلام، ص ۴۴).

همین عمروبن سعد از شاعرانی است که در عصر جاهلی و صدر اسلام اشعار بسیاری را به نظم درآورده است:

قَتَلْنَا رِستَمًا وَ بَنیهِ قَسْرًا
وَفَرَّ اللهُ مُزَانُ وَ لَمْ یُحَامِ
تُثیرُ الخَیْلُ فَوْقَهُمُ الهَبَالَا
وَ کَانَ عَلِی کَتیبته وَ بِالَا

(تاریخ الادب العربی، عصر اسلامی، ص ۶۴)

«رستم و فرزندانش را با قدرت از پای در آوردیم در حالی که اسبهای ما بر بالای سر آنها غبار برانگیخته بود. هر زمان فرار نمود و دفاع نکرد و سبب نابودی لشکرش

شد»

از شاعران برجسته قادسیه عروة بن زید خیل و ربیعة بن مقروم ضبّی می باشند. ربیعة بن مقروم ضبّی قصیده‌ای طولانی در باب قادسیه گفته است که در آن از شجاعت و پهلوانی خود سخن به میان می آورد و می گوید:

و شَهِدْتُ مَعْرَكَةَ الْفُيُولِ وَ حَوَّلَهَا
أَبْنَاءُ فَارِسَ بَيِّضُهَا كَالْأَعْبَلِ
مُتَسَرِّبِلِي حَلَقَ الْحَدِيدِ كَأَنَّهُمْ
جُرِبْتُ مُقَارِفَةً عَنِئَةً مُهْمَلِ

(جاحظ، ج ۷، ص ۲۶۳)

«در پیکار با فیله‌ها حضور یافتم در حالی که پیرامون آنها فرزندان ایران کلاه خودهایشان مانند سنگ سفید می درخشیدند. آنها زره‌های آهنین و حلقه‌دار را بر تن داشتند و مانند شتران گری بودند که روغن گری مالیده و در چراگاه یله ورها شده باشند»

این دوبیت از قصیده‌ای است که ابوالفرج اصفهانی آنرا در اغانی روایت کرده است. شاعر در این قصیده از دلیریهای خود در جنگ قادسیه سخن می گوید و بازگو می کند که چگونه به می فروشیها رفته و دوست خود را باده نوشانده است و از آنجا که اسلام نوشیدن باده را حرام دانسته است می توان گفت که بخشی از این قصیده در دوره جاهلیت و بخش دیگر در باره قادسیه پس از اسلام سروده شده است. (ضیف، ص ۶۴)

عبدة بن طبیب یکی دیگر از شاعرانی است که در جنگهای قادسیه و مدائن شرکت داشته و در آنها با دشمنان خدا و پیامبر (ص) به نبرد سختی برخاسته است. این شاعر قصیده‌ای دارد که جهاد در راه خدا را آسان می شمرد و دفاع از آرمانهای الهی را برای هر مسلمان واجب می داند. او شعر خود را چنین آغاز می کند:

هَلْ حَبْلٌ خَوْلَةٌ بَعْدَ الْهَجْرِ مَوْصُولُ
أَمْ أَنْتَ عَنْهَا بَعِيدُ الدَّارِ مَشْغُولُ
يُقَارِعُونَ رُؤُوسَ الْعُجْمِ ضَاحِيَةً
مِنْهُمْ فَوَارِسُ لَاعِزْلٌ وَلَا مَيْلُ

نَرْجُو فَوَاضِلَ رَبِّ سَيِّئُهُ حَسَنٌ وَكُلُّ خَيْرٍ لَدَيْهِ فَهُوَ مَقْبُولٌ

(اغانی، جزء ۲۱، ص ۲۵)

«آیا رشته مودت خوله (معشوق) پس از هجران پیوسته و متصل است یا آنکه خانه تو از او دور است و تو از او فارغی. سربازان اسلام سرهای عجمها را با شمشیر از بدن جدا می کردند و سواران آنها مسلحانه با مهارت کامل بر روی اسبها بی آنکه بلغزند نبرد می نمودند. ما از پروردگاری امید پاداش داریم که بخشش او نیک و زیبا است و هر خیری که نزد او باشد پسندیده است.»

این قصیده اگر چه دارای ارزش فراوانی است ولی برخی از ابیات آن در وصف مجلس باده گساری است که خود دلیل آنستکه برخی از ابیات آن جعلی به نظر می رسد.

بنابراین می توان تمام اشعاری را که توسط شاعران چه در جنگ با ایرانیان و چه با رومیان سروده شده است در کتابی گردآوری نمود و کتب صحابه شناسی از قبیل الاستیعاب و الاصابه و کتابهای تاریخی مانند تاریخ طبری و کتابهای ادبی مانند الاغانی حتی کتابهای جغرافیایی مانند معجم البلدان یا قوت حموی از این اشعار آکنده است و اگر به طور دقیق و مفصل مورد بررسی واقع شود خود مجموعه ای از شعر حماسی دینی اسلامی را تشکیل خواهد داد ولی باید اشاره کرد که همه این اشعار که به مناسبتهای جنگی سروده شده است، حماسی نبوده بلکه پاره ای از آنها مرثیه های رقت بار و سوزناکی است که درباره شهدای صدر اسلام گفته شده است مثلاً کثیر بن غریزه تمیمی قصیده ای دارد که آنرا در سوگ شهدای جنگ طالقان و جوزجان در زمان عمر بن خطاب بنظم درآورده است چنانکه می گوید:

سَقَى مُزْنُ السَّحَابِ إِذَا اسْتَهَلَّتْ مِصَارِعَ فِئْتِيَةِ بِالْجَوْزِجَانِ
وَرُبَّ أَخٍ أَصَابَ الْمَوْتَ قَبْلِي بَكَيْتُ وَلَوْ نُعِيتُ بَكَانِي

(ابوالفرج اصفهانی، ج ۱۱، ص ۲۷۸)

«باران ابرها آنگاه که ریزان شود قتلگاه جوانانی را که در جوزجان به شهادت رسیده‌اند آبیاری می‌کند چه بسا به برادری که پیش از من از دنیا رفته بود گریستم و اگر خبر مرگ من هم به او داده می‌شد در سوگ من اشک می‌ریخت».

شاعرانی که برای جهاد با کفر و اقامه کلمه توحید اشعاری سروده‌اند در خلال سروده‌های خویش از دوری و ترک شهر و دیار خود هم سخن به میان آورده‌اند و حتی به غنیمت‌های جنگی که بدست آورده‌اند اشاره کرده‌اند مانند قصیده‌ای که به اوس بن مغراء (ابن قتیبه، ج ۲، ص ۶۸۷) منسوب است شاعر در این قصیده علاوه بر آنکه به قریش افتخار می‌کند و از اینکه در جهاد فی سبیل الله از امتحان الهی سربلند بیرون آمده به خود می‌بالد و پیامبرگرامی (ص) را ستایش می‌کند و می‌گوید:

مُحَمَّدٌ خَيْرٌ مَنْ يَمْشِي عَلَى قَدَمٍ وَ كَانَ صَافِيَةً لِّهِ خُلْصَانَا

«حضرت محمد (ص) بهترین مردم است و برای خدا مخلص و با خداست»
شاعران در شعر فتوح از خیانت پاره‌ای از سران لشکر و کارگزاران اسلامی هم شکوه بر زبان آورده‌اند و از نادرستی آنها نسبت به غنایم جنگی و تقسیم ظالمانه آنها پرده برداشته‌اند چنانکه یزید بن صعق در اشعاری که در زمان عمر بن خطاب بنظم درآورده است از اعمال غیر دینی برخی از کارگزاران در تقسیم غنائم جنگی شکایت کرده و گفته است:

نَوُوبٌ إِذَا أَبَا وَ نَغَزُوا إِذَا غَزُوا فَأَنْتَى لَهُمْ وَفَرُّ وَلَيْسَ لَنَا وَفَرُّ

(بلاذری، ص ۳۷)

«هرگاه آنها بر می‌گشتند ما هم بر می‌گشتیم و هرگاه آنها جنگ می‌کردند ما هم پیکار می‌نمودیم پس از کجا برای آنها مال فراوان است و برای ما چیزی بدست نیامده است».

نتیجه:

بهر حال برای شعر فتوح در صدر اسلام ویژگیها و خصائصی است که می‌توان

آنها را در چند نکته خلاصه نمود.

۱- اشعاری که در کتب فتوح و مغازی روایت شده بیشتر رنگ عامیانه به خود گرفته و از لحاظ ساختار و گویندگانش با اشعار عادی متفاوت است.

۲- این اشعار از فصاحت و شیوایی شعر شاعرانی که با استحکام شعر سروده‌اند بهره‌مند نمی‌باشد و نمی‌تواند با اشعار شاعران چیره‌دست برابری کند و علت این امر آنستکه شاعر برخاسته از توده مسلمانها فرصت کافی برای تنقیح شعر خود نداشته و فقط می‌خواسته رزمندگان اسلام را روحیه رزمی داده و آنها را از میدان جنگ با پیروزی بیرون آورد.

۳- اغلب گویندگان شعر فتوح ناشناخته باقی مانده‌اند و علت این امر آنستکه شاعر از توده لشکر اسلام بوده و از آوازه و شأن و شوکت شاعر نامداری برخوردار نبوده است بهمین خاطر گاهی از اوقات شعری به چند شاعر نسبت داده شده است و یا اینکه بدون گوینده روایت گردیده است. طبری در تاریخ خود بصراحت می‌گوید در میان شعر فتوح اشعاری است که به سراسر جزیره‌العرب رفته و بر زبانها جاری شده است اما با همه کوشش گویندگان آنها شناخته نشده است و در واقع پاره‌ای از شعر فتوح مانند ضرب المثل است همانطور که برخی از ضرب المثلها بر زبان توده مردم جاری می‌شود و به کار می‌رود ولی گویندگان آنها شناخته نمی‌شوند به عبارت دیگر شاعران فتوح از اخلاص مخصوصی بهره داشته‌اند و هرگز جویای نام نبوده‌اند و فقط می‌خواستند به تکلیف الهی خود عمل نمایند (ج ۳، ص ۱۰۸)

۴- در تمام این اشعار مختصرگویی و ایجاز حکمفرمایی می‌کند زیرا این نوع شعر بیان لحظات و موقعیت‌های گذرا است و شاعر برحسب عادت و ذوق خود شعر می‌گوید و در پی دقت و تهذیب لفظ و صحت وزن نمی‌باشد. او آنچه در خاطرش می‌گذرد بی رنج و تکلف بیان می‌کند و در تعبیر مفهوم خود بسیار با شتاب است همچنانکه با عجله و شتاب هم تیر می‌اندازد و شمشیر می‌زند و در حقیقت در این

شعر سادگی و عدم تکلف به چشم می‌خورد و امر جهاد شاعر را از تفکر عمیق باز می‌دارد که لفظ فصیح و زیبا انتخاب کند.

۵- آخرین نکته درباره اشعار فتوح آن است که درباره پهلوانان و دلاوران فتوح چه در جهاد با ایرانیان و چه با رومیان داستانهایی اضافه شده است که برخی از آنها با آنچه که اتفاق افتاده است منطبق نمی‌باشد و الحقّ این داستانها از ذوق و قدرت خلاقیت داستان پردازان پیروی می‌کند. ولی بهرحال برای این اشعار اصل صحیحی بوده است که بر اثر گذشت زمان در برخی موارد شاخ و برگ پیدا کرده و از اصل واقعی خود دور افتاده است و چون این اشعار و داستان پهلوانیها برای مسلمانها موجب سربلندی و خلوص در جهاد می‌باشد طبیعی است که از رجزگویی برکنار نمانده و در برخی از موارد از افتخارات قبیله‌ای و قومی هم متأثر شده باشد.

منابع:

- ۱- ابن حجر عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، دارالتراث العربی، بیروت، ۱۳۲۸ هـ.ق.
- ۲- ابن سلام جمعی، طبقات الشعراء، چاپخانه بریل، لیدن، ۱۹۱۳ م.
- ۳- ابن قتیبہ دینوری، الشعر و الشعراء، تحقیق و شرح محمد شاکر، دارالمعارف.
- ۴- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، چاپ دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۵- بلاذری، فتوح البلدان، تصحیح صلاح الدین منجد، قاهره.
- ۶- جاحظ، کتاب الحیوان، تحقیق و تصحیح عبدالسلام هارون، مصر، ۱۳۶۴ هـ.ق.
- ۷- ضیف، شوقی، تاریخ الادب العربی، چاپ دوم، قاهره.
- ۸- طبری، محمد بن جرید، تاریخ الامم و الملوک، قاهره، ۱۳۵۷ هـ.ق.

